دیدگاه‌های مختلف که وجود دارد طبیعتاً اگر بخواهیم همکاری صورت دهند طبیعتاً باید براساس قرارداد اجتماعی این همکاری را صورت دهند. توجه دارید که نظریه‌های قرارداد اجتماعی هیچ‌کدام ادعای وقوع چنین قراردادی را به لحاظ تاریخی ندارند، ممکن است مصادیقی را ذکر کنند اما همه این را یک وضعیت فرضی می‌دانند. بنابراین این قرارداد اجتماعی بر چه اساسی است تا عادلانه باشد؛ رالز می‌گوید من بنیادی‌ترین اصل اخلاقی یعنی انصاف را مبنا قرار می‌دهم. این اصل اخلاقی عام و جهان‌شمولی است که زمان و مکان و زمینه فرهنگی مقیدش نمی‌کند و به‌عنوان بنیادی‌ترین اصل اخلاق مطرح شده است. حالا این قرارداد که باید براساس انصاف باشد، از آن طرف اختلاف دیدگاه داریم و باید چه کنیم که این تفاوت‌ها بتوانند در کنار هم بنشینند. چیزی را با عنوان اجماع متداخل مطرح می‌کند که درست مانند دوایر مختلف است که وقتی روی کاغذ رسم می‌کنیم مجموعه عقاید و باورها و جهان‌بینی مکاتب مختلف را نمایندگی می‌کنند و وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توانیم منطقه مشترک آن‌ها و اجماع متداخل را مشخص کنیم. ما اصول انصاف را می‌توانیم در این منطقه قرار دهیم و برای این منظور به یک تفکیک دقیق که آن را یکی از شاهکارهای رالز می‌دانم، نیاز داریم. می‌گوید ما در زندگی خودمان وقتی با عقل زندگی را هدایت می‌کنیم با دو نوع عقل سروکار داریم؛ یکی عقل حسابگر است که عقلانیتی را نمایندگی می‌کند که اگر از من بپرسند چرا به این اصول باور داری، چرا به این رفتارها پایبند هستی، من استدلال‌هایم را ارائه می‌کنم ولی برای من اهمیت ندارد که شما قانع می‌شوی یا خیر، در حالی که نوع دوم عقلانیت که معقول بودن است، نوع عقلانیتی است که ما در روابطمان با دیگران به کار می‌بریم. یعنی استدلال‌هایی را در درستی رفتارها و باورهای مشترک‌مان ارائه می‌کنیم که تخمین می‌زنیم برای دیگران هم قابل قبول است. این چیزی نیست که رالز کشف کرده باشد بلکه بر روی آن تکیه می‌کند. مسئله مهم این است که رالز می‌گوید برای داشتن چارچوب همکاری عادلانه، ما به‌سراغ مکاتب دینی، فلسفی و اخلاقی به‌عنوان یک مکتب فراگیر نمی‌رویم، ما به سراغ اصولی می‌رویم که در عرصه سیاست فقط مطرح هستند و امر سیاسی امری عقلایی و نه عقلانی است. فرق این دو این است که در امر سیاسی، اساساً حقانیت و عدم حقانیت این دین و آن دین و مکتب اساساً موضوعیت ندارد. اینجا قرار نیست بگوییم چه کسی بر حق و چه کسی بر حق نیست. موضوع این است که ما متفاوت هستیم و دو راه پیش رو نداریم که یک راه این است که علیه همدیگر بجنگیم و اصل اول و حیاتی‌ترین اصل حقوق بشر را زیر پا می‌گذاریم و راه دیگر این است که راهی برای همزیستی مسالمت‌آمیز پیدا کنیم. حاصل این است که در یک جامعه چندفرهنگی به دنبال نقاط مشترک می‌گردند که این کار آسانی نیست اما ناممکن هم نیست. این یافتن اشتراکات از طریق دموکراسی هم‌اندیشانه صورت می‌گیرد. آنچه را که ما در سیره امام موسی‌صدر می‌بینیم، نشانه‌های فراوانی دارد که مؤید این است که ایشان نیز اینگونه فکر می‌کرد. اگر چنین وضعیتی محقق نشود، وضعیت مصالحه موقت متصور است که براساس موازنه قوا شکل می‌گیرد به این معنا که ما می‌گوییم جنگ نداشته باشیم، در نتیجه با هم یک توافق داشته باشیم. این دیدگاه اما هر لحظه می‌تواند از هم بپاشد چراکه هر کدام از طرف‌های آن به هر شکلی که بتواند قدرت خود را افزایش دهد، می‌خواهد قرارداد را به نفع خودش به هم بزند. ما وقتی به شکل حکومت لبنان پس از خروج استعمارگران فرانسوی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که قانون اساسی براساس این الگوی دوم شکل گرفته است. حاصل این مصالحه موقت این است که گروه‌های مختلف و ادیان مختلف لبنان به‌دنبال افزایش قدرت خودشان هستند و منافع ملی قربانی می‌شود و شما در این شرایط حتی خواب توسعه را هم نمی‌توانی ببینی و این مشکل مصالحه موقت است.

گفت‌وگو تعامل روش امام موسی صدر بود

محمدعلی مهتدی: به یاد آوردم که در جریان مبارزات انقلاب، چهار شخصیت مهم و اندیشمند داشتیم که برای تغییر در ایران با یکدیگر در ارتباط بودند؛ شهید بهشتی در آلمان و امام موسی‌صدر در لبنان و شهید باهنر و مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در ایران بودند. این چهار شخصیت گاهی با هم جمع می‌شدند و گاهی مکاتبه می‌کردند و اندیشه‌ها و راهکارها را رد و بدل می‌کردند. من این را در بیروت دنبال می‌کردم و ما متاسفانه این افراد را از دست دادیم که ارکان اندیشه تغییر در کشور ما بودند. آقای دکتر بهشتی مسئله عدالت و انصاف را در اندیشه جان رالز مطرح کردند. جامعه لبنان یک جامعه منحصربه‌فرد است و یک دولت- ملت نیست و ملتی با هویت واحد وجود ندارد و ما ۱۶ تا فرقه مذهبی در این کشور داریم که هر کدام از این فرقه‌های مذهبی یک دولت هستند و نهادهای دینی، سیاسی و اقتصادی دارند که اجماع‌شان دولت لبنان را تشکیل داده است؛ هرچند همه این‌ها در اجماع تشکیل دولت وجود نداشتند و تنها دو فرقه اصلی مارونی که متکی به فرانسه بود و سنی‌هایی که حمایت جامعه عرب را داشتند، دولت لبنان را تشکیل دادند. قدرت اول را مارونی‌ها دارند و پدیده مارونیت سیاسی ده‌ها سال بر لبنان حکومت کرده است. شخصیت‌های شیعه پیش از امام موسی صدر، تابع همین مارونیت سیاسی بودند چراکه جامعه شیعه از هم گسسته بود و هیچ نهادی و راهی برای ایجاد چسبندگی در این جامعه وجود نداشت. حالا ما در خصوص شخصیت امام سیدموسی‌صدر صحبت می‌کنیم که شخصیت بی‌نظیری است که شناخته نشده؛ یک اندیشمند و یک مصلح بزرگ اجتماعی و یک فقیه و یک عارف و یک رهبر سیاسی است. بنده که ۳۰ سال در لبنان بودم و چندسالی افتخار این را داشتم که در نزدیکی امام موسی صدر، ایشان را دنبال می‌کردم و از اندیشه‌های ایشان بهره می‌گرفتم، به جرأت می‌گویم که هیچ شخصیتی را نمی‌توانم با امام موسی صدر مقایسه کنم و در هر زمینه فاصله ایشان با بقیه افراد بسیار زیاد است. در سال‌هایی که ایشان در لبنان زندگی می‌کرد، الگوی بسیار بزرگی هم در جهت اندیشه و هم در جهت عمل و اصلاح ایجاد کرد. آنچه امروز مورد بحث ماست؛ این است که اندیشمندانی مانند جان رالز، اندیشه‌ها را از کجا می‌سازند؛ روش معمولاً استقرایی است و در درون جامعه تحولاتی را می‌بینند و به نتیجه می‌رسند. هر چه دامنه استقرا گسترده‌تر باشد، قدرت آن اندیشه بیشتر است. آن اصولی که در اندیشه جان رالز مطرح شد، در اندیشه و عمل امام موسی صدر وجود دارد اما تفاوت این است که اگر زمینه وصول به این اندیشه در رالز، استقراست، در مورد امام‌صدر، مصدر و مبنای این اندیشه قرآن کریم و سیره علی(ع) است و ایشان در همه سخنرانی‌ها و رفتارها، روی این دو تاکید دارد و آبشخور اندیشه امام این دو است. ایشان براساس آیات قرآن، انسان‌ها را برابر می‌داند که قرآن می‌گوید «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِيٓ ءَادَمَ وَحَمَلْنَٰهُمْ فِي ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَرَزَقْنَٰهُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ وَفَضَّلْنَٰهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا». این انسان‌ها با هم برابر هستند یعنی انسان به‌عنوان انسان، صرف‌نظر از دین و ملیت و مذهب با انسان دیگر برابر است. مسئله دیگری که ایشان همواره تاکید داشتند مسئله فطرت است و ایشان به استناد آیه فطرت در سوره روم، «فِطْرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلْقَيِّمُ» که انسان‌ها را خداوند براساس فطرت آفریده و در این فطرت، عدالت و انصاف وجود دارد و همه این‌ها در فطرت است و به استناد فطرت، ایشان انسان‌ها را برابر می‌دانست و آیه دیگری که ایشان خیلی به آن استناد می‌کرد آیه سوره حجرات است که «يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا۟ ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ ٱللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». اینجا امام موسی تاکید می‌کردند که آیا فقط با هم آشنا شویم، پس بعد چه کنیم، باید با هم تعامل کنیم. حالا آیا فرقی میان ما وجود دارد، خیر، تقوا تعیین‌کننده است و این تقوا را خدا می‌داند، بنابراین تقوا عاملی نیست که در زندگی اجتماعی اساس قرار دهیم. عدالت در سراسر قرآن و سراسر زندگی علی(ع) وجود دارد که حتی این عدالت نسبت به مخالف نیز وجود دارد که این مورد در اندیشه جان رالز هم وجود دارد. امام موسی صدر به این آیات اشاره می‌کرد که حتی دشمنی یک گروه با شما، شما را برآن ندارد که عدالت را برای او اجرا نکنید. همه این‌ها را ما در اندیشه جان رالز و در عمل امام موسی‌صدر می‌بینیم. امام موسی‌صدر حالا وارد لبنان شده و با فرقه‌های (طائفه) مختلف و با اصطلاح (الطائفیه) مواجه می‌شود که همان طایفه‌گرایی است. امام صدر معتقد بود وجود این طائفه‌های مختلف یک ثروت برای لبنان است و نعمتی برای لبنان است که لبنان را به یک الگوی گفت‌وگو تبدیل می‌کند و اگر ما بتوانیم در اینجا تعامل کنیم، عدالت ایجاد می‌شود و وفاق به وجود می‌آید، توسعه محقق می‌شود و لبنان به الگو تبدیل خواهد شد و لازمه آن این است که دیگری را بپذیریم چراکه خداوند انسان‌ها را مختلف آفریده است تا تکامل محقق شود. فرقه‌گرایی اما از منظر امام صدر بزرگترین خطر برای لبنان و منطقه بود و حتی در کلیسای مسیحی حاضر شد و به جای کاردینال، مسیحیان را موعظه کرد که عنوان صحبتش دین در خدمت انسان بود و امام گفتند دین در خدمت انسان است تا انسان را به تکامل برساند. اگر بپذیریم همه ادیان در خدمت انسان هستند و با هم برای این هدف تعامل کنند، تکامل روی خواهد داد و قرآن هم می‌فرماید یا ما یا شما هدایت شده‌ایم و یا در گمراهی هستیم به این معنا که نمی‌گوید فقط ما هدایت شدیم و ما درست هستیم و این دستورالمعل گفت‌وگو و تعامل است که روش امام موسی‌صدر بود. او وقتی با طایفه شیعه مواجه شد، این طایفه از هم گسیخته و در ته چاه بود که هیچ تشکیلات و مدرسه و بیمارستان و نهادی نداشت و شروع به ساختن جامعه تشیع کرد و این امر به معنای برتری جامعه تشیع نبود و می‌خواست جامعه را برای گفت‌وگو با سایر جوامع در لبنان آماده کند چراکه جوامع باید برای تعامل در سطح هم باشند. در کل لبنان هم ایشان روابط مثبت و سازنده‌ای با سایر فرقه‌ها ایجاد کرد و در جوامع مختلف حاضر می‌شد تا جایی که در جامعه لبنان که هیچ حس ملی‌گرایی وجود نداشت، این امام صدر بود که وقتی از سفری بازمی‌گشت، تمام فرودگاه بیروت و خیابان‌های منتهی به آن مملو از جمعیت شده بود تا از این رهبر استقبال کنند. همچنین در اعتراض به موضوعی، امام موسی صدر اعتصاب کردند که تا آن زمان سابقه نداشت که اگر کسی از طایفه خاصی اعتصاب یا اعتراض کند، سایر طوایف نیز با او همراهی کنند اما در اقدامی بی‌سابقه، کل کشور و همه مذاهب به تبعیت از امام صدر به این اعتصاب پیوستند. ایشان در سطح جهانی، بسیار پیش از آنکه موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح شود، این ایده را دنبال می‌کردند. ایشان در تاج‌گذاری پاپ در واتیکان شرکت می‌کرد و در کشوری که حضور پیدا می‌کرد مانند سران کشورها از او استقبال می‌شد. این جامعه متکثر لبنان و این دموکراسی اجماعی و توافقی که در خصوص لبنان می‌گوییم، اگر امام موسی‌صدر مانده بود، می‌توانست آن را به الگویی برای جهان تبدیل کند. زمانی که جنگ داخلی شروع شد، امام آن را از جانب اسرائیل می‌دانست که همان استثنای امام موسی صدر بود که ایشان آن را شرمطلق می‌دانست. ما چنین شخصیتی را از دست دادیم و یک عده وحشی بیابانی که نفهمیدند میزبان چه شخصیتی هستند، او را از صحنه دور کردند. دعا می‌کنیم که ایشان و همراهان‌شان همچنان زنده باشند و در نزدیک‌ترین فرصت به میان ما بازگردند که همه ما در منطقه و لبنان نیازمند چنین اندیشمند و چهره دینی هستیم.

«زندگی مشترک» الگوی تفکر امام موسی صدر بود

حورا صدر: مبحثی که امروز مطرح شد، مبحث مهمی است که می‌تواند سرآغاز تعاملی باشد که مباحث تئوری و نظریه‌ها مورد بررسی قرار گیرد و اگر مصداقی در رفتار و اندیشه امام موسی صدر وجود دارد مورد استخراج قرار بگیرد. آقای مهتدی به خوبی مباحثی را توضیح دادند که از جمله آن بحث روش استقرایی در یافتن نظریه‌هاست. شاید یکی از مسائل ما با بررسی اندیشه و عمل امام موسی صدر این است که دوران فعالیت ایشان عملاً بسیار کوتاه است؛ درست است که این فعالیت از ایران آغاز شد اما دوران حضور ایشان در لبنان که به اوج رسید در مجموع ۱۸ سال بود و تمام‌وقت ایشان در حال فعالیت، صحبت، رفت و آمد و ایجاد وفاق بودند و فرصت اینکه به تئوری‌پردازی بپردازند را نداشتند. شاید الان که نزدیک به بیش از ۹۰ درصد سخنرانی‌ها و پیام‌ها و تاریخ شفاهی که موفق به جمع‌آوری آن شدیم، جمع‌آوری شده است، بتوانیم بخشی از نظریه‌هایی که ایشان بر مبنای آن‌ها فعالیت می‌کرد را استخراج کنیم. یکی از مسائلی که مطرح شد این بود که امام موسی صدر اعتقاد راسخی به این تکثر و تعدد و ارتباط میان افراد جامعه داشت. یک جمله از امام موسی صدر نقل شده است که اگر لبنانی با این ویژگی‌ها و این طوائف و جریانات سیاسی وجود نداشت، باید چنین کشوری را برای ارتقای تفکر بشریت و تشیع ایجاد می‌کردیم. همچنین به یاد دارم در کودکی سوالی از امام موسی صدر پرسیدم که شاید مضمونش این بود که با وجود این ادیان و مذاهب، در نهایت کدام‌یک منجی بشریت است، پاسخ ایشان را به روشنی به یاد دارم که این آیه را خواندند که «إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱلَّذِينَ هَادُوا۟ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـِٔينَ مَنْ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»، این پاسخی است که ایشان در منزل به دختر خودشان می‌دهند و منبر و سخنرانی نیست که بگوییم یک شعار است و در حد بیان است و این اعتقاد راسخ ایشان بود و البته کارنامه و تجربه زیسته ایشان این مسئله را ثابت کرده است که برخی مصادیق را آقای مهتدی بیان کردند. برای مثال از روزهای نخستی که امام موسی صدر وارد صور شدند، تلاش‌های اجتماعی را آغاز کردند و یک جمعیت مسیحی که ریاستش با پدر گریگور حداد بود، ایشان را دعوت کرد تا عضو این جمعیت شود که ناشی از رفتار امام بود و البته این نتیجه رفتار ایشان است که وقتی در مصاحبه‌ای از ایشان می‌پرسند به اعتقاد شما کدام‌یک از ادیان، فرقه‌ها و طوائف لبنان موفق‌تر هستند که جواب ایشان این آیه قرآن است که «وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا ۖ فَٱسْتَبِقُوا۟ ٱلْخَيْرَٰتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا۟ يَأْتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ» که یعنی هرکسی که خدمت بیشتری کرده و خیر بیشتری را به همه جامعه رسانده است، موفق‌تر است. در مراحل مختلف و برای مثال پس از حادثه سوزاندن مسجدالاقصی، ایشان برای نخستین بار در لبنان، همه را به برگزاری یک کنفرانس مذهبی دعوت کردند که نشان‌دهنده اعتقاد ایشان بود یا زمانی که جنوب لبنان به‌صورت مکرر هدف حملات اسرائیل قرار می‌گرفت، ایشان گروهی را از ادیان و مذاهب مختلف برای حل و فصل این موضوع تشکیل دادند که در عکسی این اعضا را کنار هم نشان می‌دهد و معتقد بودند این تنها وظیفه شیعیان نیست که از جنوب حمایت کنند و این وظیفه مردم کشور است و این خط اساسی فعالیت امام موسی صدر است. شارل حلو، رئیس‌جمهور وقت لبنان که در زمان امام این سمت را داشت حضور دارد که می‌گوید «امام موسی صدر برای احقاق حقوق شیعیان تلاش کرد اما در این مسیر از حق دیگران نگرفت و این باعث مقبولیت ایشان بود». یک نکته مهم دیگر این است که در لبنان همواره مسئله همزیستی مطرح است، فارغ از اینکه در دوران مختلف چه بلایی بر سر این همزیستی آمده است اما اصطلاحی که امام موسی صدر استفاده می‌کردند در مقابل همزیستی یا تعایش بود، ایشان از واژه العیش‌المشترک بود که به معنای زندگی مشترک بود و این واژه نشانگر فکر و اندیشه و عمل ایشان بود. از من سوالی در خصوص آخرین وضعیت پرونده ربایش امام پرسیدید؛ این یک عادت است که هر سال، یک عدد به مجموع سال‌های ربایش امام اضافه می‌کنیم و یک مراسمی به این مناسبت برگزار کنیم که البته جای شکر دارد که این موضوع فراموش نمی‌شود ولی موضوع امام موسی صدر دیگر محدود به سال و سالگرد نیست و نزدیک نیم قرن است که از حضور ایشان محروم هستیم و قطعاً خود ایشان بیشتر از این غیاب و عدم نقش‌آفرینی زجر می‌کشند. چند روز قبل، جوانی ۱۴ یا ۱۵ ساله از من سوال کرد که شما که معتقدید کاری که باید برای آزادی امام موسی صدر صورت می‌گرفت انجام نشده، چه منظوری دارید؛ بله ما هر سال بر این موضوع تاکید داریم که مگر توان یک خانواده چقدر است که بتواند چنین پرونده‌ای را دنبال کند اما دولت‌ها و افراد تاثیرگذار وجود داشتند که می‌توانستند رباینده امام را تحت فشار قرار دهند اما هیچ‌گاه، هیچ‌گاه معمر قذافی در موضوع امام تحت فشار قرار نگرفت و همیشه، همه در این موضوع منفعل بودند که اگر کاری که شایسته شخصیت امام موسی صدر بود انجام می‌شد، ایشان قطعاً الان در میان ما بودند. سال ۲۰۱۱ وقتی معمر قذافی سقوط کرد، آقای مصطفی عبدالجلیل، رئیس شورای ملی انتقالی لیبی شخصاً اعلام کرد که تا چند سال قبل از محل زندان امام مطلع بوده است اما این خبر شنیده و پیگیری نشد و حالا هم دولت لیبی از ارائه مدرک به ما ناتوان است هرچند از خدا می‌خواهد سندی ارائه دهد تا پیگیری ما متوقف شود. حتی به‌صورت غیرمستقیم نمونه‌هایی را ارائه می‌دهند که مراحل آزمایش طی می‌شود و نتیجه منفی است. امیدواریم که این سال آخری باشد که این سالگرد را برگزار می‌کنیم و با تلاشی که شایسته این موضوع است به آزادی امام موسی صدر برسیم.

محمدعلی مهتدی تحلیلگر مسائل خاورمیانه:

امام صدر معتقد بود وجود این طائفه‌های مختلف یک ثروت برای لبنان است و نعمتی برای لبنان است که لبنان را به یک الگوی گفت‌وگو تبدیل می‌کند و اگر ما بتوانیم در اینجا تعامل کنیم، عدالت ایجاد می‌شود و وفاق به وجود می‌آید، توسعه محقق می‌شود و لبنان به الگو تبدیل خواهد شد و لازمه آن این است که دیگری را بپذیریم چراکه خداوند انسان‌ها را مختلف آفریده است تا تکامل محقق شود

گروسی درباره ایران پیشرفتی نداشته‌ایم

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جلسه شورای حکام آژانس درباره برنامه هسته‌ای ایران مدعی شد که آژانس اطلاعات کافی درباره تولید سانتریفیوژها و موجودی آن‌ها را در ایران ندارد. به گزارش ایسنا، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در سخنرانی آغازین خود در نشست فصلی شورای حکام آژانس که امروز [دیروز] آغاز شده و تا جمعه ادامه دارد، ادعاهایی را درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران مطرح کرد. گروسی با اشاره به گزارش فصلی خود درباره برنامه هسته‌ای ایران، درباره میزان تولیدات اورانیوم غنی‌شده ایران گفت: «ذخایر اورانیوم ایران تا خلوص ۲۰ درصد و ۶۰ درصد همچنان رو به افزایش است و ایران تعداد آبشارهایی را که برای تولید «یواف۶» (UF۶) استفاده می‌کند، افزایش داده است. سه سال و نیم از زمانی که ایران اجرای تعهدات هسته‌ای خود ذیل برجام، از جمله اجرای پروتکل الحاقی را متوقف کرده و بنابراین، سه سال و نیم از زمانی که آژانس دسترسی تکمیلی در ایران داشته، گذشته است.» مدیرکل آژانس درباره توافق ان‌پی‌تی میان آژانس و ایران مدعی شد: «هیچ پیشرفتی در حل‌وفصل مسائل پادمانی باقی‌مانده حاصل نشده است. آژانس تداوم اشراف خود درباره تولید سانتریفیوژها و موجودی آن‌ها، روتورها و بیلوزها، آب سنگین و کنسانتره سنگ اورانیوم در ایران را از دست داده است. ایران می‌گوید تمامی مواد، فعالیت‌ها و محل‌های هسته‌ای ضروری را ذیل توافق ان‌پی‌تی با آژانس اعلام کرده است.» او در ادامه گفت: «ایران که اعلام کرده است اجرای کد اصلاحی ۱/۳ را به تعلیق درآورده، هنوز این وظیفه قانونی خود را اجرا نمی‌کند. این مسائل پادمانی باقی‌مانده از تعهدات ایران ذیل توافق جامع پادمانی آن نشأت می‌گیرند و باید برای آژانس حل‌وفصل شوند تا بتواند تضمین بدهد که برنامه هسته‌ای ایران، منحصراً، صلح‌آمیز است.» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین درباره اجرایی شدن بیانیه مشترک آژانس و ایران گفت: «هیچ پیشرفتی در ۱۵ ماه گذشته در زمینه اجرایی شدن بیانیه مشترک چهارم مارس ۲۰۲۳ حاصل نشده است. من از ایران می‌خواهم بیانیه مشترک را با به کار بستن جدی پیشنهادات مشخص بیانیه مشترک آژانس اجرایی کند.» او درباره تعامل با «مسعود پزشکیان» رئیس‌جمهور جدید ایران گفت: «پس از انتخابات در ایران، من با رئیس‌جمهور پزشکیان تبادل پیام کرده و آمادگی‌ام را برای دیدار با او در تهران به منظور ازسرگیری گفت‌وگوها و همکاری میان آژانس و ایران ابراز کردم. او موافقت کرد که در موقعیتی مناسب دیدار کنیم.» گروسی با درخواست انجام گرفتن هرچه سریع‌تر این دیدار گفت: «من از ایران می‌خواهم این دیدار را در آینده‌ای نه‌چندان دور ترتیب بدهد تا بتوانیم گفت‌وگوهای سازنده‌ای داشته باشیم که به سرعت، به نتایجی واقعی منجر شود.»

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، روز گذشته در نشست خبری هفتگی خود در پاسخ به این سوال که آیا تهران به اظهارات رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ارتباط با لزوم تشدید فشارها به ایران پاسخی داده است یا نه؟ گفت: «ما در چارچوب نشست‌هایی که در مقر آژانس برگزار شده است، به اظهارات آقای گروسی پاسخ داده‌ایم؛ همچنین از مسیر دیپلماتیک و از سوی سازمان انرژی اتمی مواضع ایران در برابر اظهارات آقای گروسی مطرح شده و پاسخ روشن و شفاف به این اظهارات داده و مواضع ایران تبیین شده است.» سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران همچنین در این نشست در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه دولت چهاردهم آمادگی خود را برای برگزاری مذاکرات احیای برجام اعلام کرده، آیا تهران از سوی طرف‌های مقابل برجام نیز چنین اراده‌ای را مشاهده و پالسی در این زمینه دریافت کرده است، گفت: مواضع جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با برجام روشن است. برجام یک توافق جمعی است و کشورهای عضو این توافق همه تعهداتی بر عهده داشتند و ایران تنها عضوی بود که به تعهدات خود عمل کرد.» کنعانی ادامه داد: «احیای این توافق مبتنی بر بازگشت طرف‌های مقابل به تعهدات خود در چارچوب برجام است و این توافق زمانی می‌تواند احیا شود که همه طرف‌ها به تعهدات خود بازگردند.»